



بیمه‌ها واگذار شد. با افزایش "۳۰۰ تا ۴۰۰ درصدی تعرفه‌های درمان" پزشکان متخصص و تحمیل هزینه کلان دارو، مطابق برآورد اقتصاددانان، فرشاد مؤمنی، "از زمان شروع به کار طرح تحول سلامت تا پایان اسفند ۹۵، فقط در سازمان تأمین اجتماعی هزینه‌هایی که بابت درمان در این سازمان ایجاد شد، معادل دو برابر کل هزینه‌های درمان سازمان تأمین اجتماعی در پنجاه سال قبل از اجرای این طرح بود!" همچنین بر اساس گزارش مؤمنی، چون طرح تحول سلامت "حدود ۷۰ درصد بار مالی هزینه‌های خود را بر دوش سازمان‌های بیمه‌گر انداخت، این سازمان‌ها را با بحران‌های حاد مالی روبرو کرد." بعد از ایجاد شرایط بحرانی در سازمان تأمین اجتماعی و آینده بازنشستگی کارگران، روز ۶ آذرماه ۹۸، روحانی این طرح را "بزرگ‌ترین طرح بهداشت و درمان در تاریخ کشور" عنوان کرد، چندان که گفت:

ادامه در صفحه ۳

منافع کارگران، و "بیمه اجباری" سلامت

در ابتدای سال‌های دهه ۱۳۹۰، در راستای خصوصی‌سازی درمان و جذب سرمایه امپریالیستی، دولت روحانی طرح "تحول نظام سلامت" را ارائه و اجرای آن را آغاز کرد. گرچه طرح تحول نظام سلامت طرحی دولتی بود، اما بنا به گزارش ۲۳ شهریورماه ۹۸ خبرگزاری ایلنا، دولت در سال‌های ۹۳، ۹۴ و ۹۵، به‌ترتیب مبلغ‌های ۹۳۰۰، ۹۳۰۰ و ۳۶۰۰ میلیارد، و ۳۰۰ میلیارد تومان بابت اجرای این طرح به وزارت بهداشت پرداخت کرد ولی "در سال چهارم به بعد دیگر هیچ مبلغی از سوی دولت پرداخت نشد و این هزینه بر عهده



شماره ۲۸، ۱۶ دی ماه ۱۳۹۸



معیشت عادلانه، حق بازنشستگان است!

با اجرای برنامه تعدیل ساختاری قدرت خرید بازنشستگان به‌شدت کاهش یافت و معیشت آنان رو به‌وخامت نهاد. یکی از شعارهای مهم بازنشستگان در اعتراض‌های چند ماه اخیرشان در مقابل مجلس در تهران و دیگر شهرها چنین بود: "خط فقر ۸ میلیون، حقوق ما ۲ میلیون!". با افزایش سه برابری قیمت بنزین در آبان‌ماه ۹۸، ایسنا، ۸ دی‌ماه ۹۸، از افزایش ۱۷۱ درصدی قیمت گوچه فرنگی فقط در عرض یک ماه و افزایش لگام گسیخته قیمت برخی مواد خوراکی دیگر گزارش داد. مطابق گزارش ۷ دی‌ماه ایلنا، میانگین نرخ تورم سالانه در آبان‌ماه سال جاری ۴۱ درصد بود، و "تورم انتظاری" سال آینده "حداقل ۴۵ تا ۵۰ درصد" خواهد بود. در یک‌چنین شرایطی لایحه بودجه ۹۹ دولت بر افزایش ۱۵ درصدی حقوق و مستمری در سال آینده تأکید دارد و نمایندگان مجلس "افزایش حقوق بیش از ۱۵ درصد" را "اصلاً شدنی" نمی‌دانند و بر "افزایش ۱۵ درصد به‌صورت پلکانی نزولی" تأکید دارند. در واقع علی لاریجانی، رئیس مجلس، ۹ دی‌ماه، گفت: "افزایش ۱۵ درصدی حقوق بهتر است به صورت پلکانی معکوس اجرا شود تا قشرهای پایین‌تر بیشتر بهره‌مند شوند." به‌عبارت دیگر، رژیم افزایش ۱۵ درصدی مزد برای همه زحمتکشان را نیز در نظر ندارد. رژیم در آبان‌ماه ۹۸، به‌جای بستن مالیات بر نهادهای و سرمایه‌داری انگلی، کسری بودجه دولت را با افزایش قیمت بنزین به زحمتکشان تحمیل کرد.

یک فعال صنفی معلمان، ۷ دی‌ماه ۹۸، به‌صراحت گفت: "جلوگیری از فرارهای مالیاتی انبوه، مالیات‌ستانی از نهادهای سترگ معاف از مالیات، و... می‌تواند به‌راحتی منابع ریالی برای افزایش ۳۰ یا ۵۰ درصدی حقوق کارمندان دولت" فراهم کند.

وضعیت بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی از وضعیت دیگر بازنشستگان حتا بدتر است. در حال حاضر دولت بدون احتساب سود بدهی، مبلغ ۲۵۰ هزار میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است و مطابق گزارش ۳ دی‌ماه ۹۸ ایلنا، دولت "حتی یک ریال از ۵۰ هزار میلیارد تومان قانون بودجه ۹۸ بابت تادیه بخشی از بدهی‌های خود به تأمین اجتماعی را نپرداخته است." در واقع تأمین اجتماعی برای پرداخت مستمری به بازنشستگان، مجبور به گرفتن وام با بهره‌ای حدود ۳۰ درصد از بانک است. یکی دیگر از شعارهای بازنشستگان در تجمع‌های اعتراضی، اجرای قانون همترازی مصوب سال ۸۶ مجلس است. مطابق گزارش ۷ دی‌ماه ۹۸ ایلنا، برای اجرای همترازی حقوق بازنشستگان "فرهنگی، نیروهای مسلح، ارتش، تأمین اجتماعی، و... به

ادامه در صفحه ۳

ضرورت تشدید مبارزه و اتحاد عمل در حرکت سندیکایی زحمتکشان!

ارائه لایحه بودجه سال آینده (۹۹) به مجلس به فاصله اندکی پس از سرکوب خونین خیزش مردمی آبان‌ماه ۹۸، به‌ویژه توجه و بررسی ماده‌ها و تبصره‌های این لایحه پیرامون چگونگی افزایش دستمزدها و میزان اعتبار مالی برای همسان سازی حقوق همراه با بحث‌هایی پیرامین درباره برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه که بر محور روش و سیاست‌های نولیبرالی سرمایه‌داری می‌چرخند، درمیان نیروهای مترقی، آزادی‌خواه، و فعالان کارگری میهن ما از جمله مهم‌ترین مباحث صنفی-سیاسی در هفته‌های گذشته بوده است.

لایحه بودجه درحالی تنظیم و روانه مجلس گردید که طرح‌هایی مانند "پرداخت تسهیلات به کارفرمایان متقاضی اصلاح ساختار اقتصادی"، "توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی" و مهم‌تر از همه- گزارشی پژوهشی در زمینه شناورسازی مزد در مجلس، هیئت دولت، و اتاق بازرگانی مورد بحث قرار داشت و پاره‌ای از آن‌ها نیز از تصویب گذشته‌اند. به‌علاوه، درپی اجرای برنامه ضد ملی آزادسازی قیمت‌ها و سه برابرشدن نرخ بنزین، نشست‌های کمیته مزد شورای عالی کار با تبانی شکل‌های زرد حکومتی، دولت، و

ادامه در صفحه ۲

پیش به‌سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامه ضرورت تشدید مبارزه و اتحاد عمل در حرکت



سیاست‌های نولیبرالی سرمایه‌داری در دفاع از بودجه ۹۹ کف به دهان می‌آورند. در چنین وضعیتی مبارزه برای افزایش دستمزدها و تعیین حداقل دستمزد براساس نرخ واقعی تورم و سبب معیشت

خانوار از اهمیتی حیاتی برخوردار است. تشکلهای زرد حکومتی در مقام مجریان گوش به فرمان رژیم ولایت فقیه درخصوص چگونگی افزایش دستمزدها درسال آینده خاک به چشم کارگران می‌پاشند و می‌کوشند نشست‌های کمیته مزد و نشست‌های شورای عالی کار را یگانه راه نجات معرفی کنند. در میانه آذرماه ۹۸ یکی از اعضای رهبری تشکلهای زرد حکومتی اعلام کرد که به دلیل ثبات نداشتن قیمت‌ها در پی افزایش قیمت بنزین، نشست کمیته مزد شورای عالی کار بدون نتیجه‌گیری پایان یافت. او یادآور شده بود که تا رسیدن به ثبات قیمت‌ها دست نگه‌می داریم. برای آنکه این مانورهای فریبکارانه افشا شوند و کارگران از محتوای واقعی برنامه‌های رژیم ولایت فقیه آگاهی یابند، توجه کردن به تمامی آمارها و برآوردهای رسمی اهمیت پیدا می‌کند. آنچه درباره لایحه بودجه ۹۹ درسطرهای بالا به‌اشاره یادآور شدیم، نشان می‌دهد که در سال آینده تورم افزایش خواهد داشت و به‌اصطلاح ثبات قیمت‌ها هم درکار نخواهد بود! دراین زمینه اشاره به مطلب روزنامه همدلی، ۲۴ آذرماه ۹۸، خالی از فایده نیست تا به‌وسیله آن عیار ادعاهای رهبران فاسد تشکلهای زرد کارگری دیگر بار آشکار شود. روزنامه همدلی نوشته بود: "درحالی که به‌اذعان دست‌اندرکاران مسائل کارگری قیمت‌ها ثابت ندارند و هرروز هم بر فشار اقتصادی به اقسار فرودست و خصوصاً کارگران افزوده می‌شود، اینکه دولت یا شورای عالی کار منتظر ثبات قیمت‌ها هستند و بعد درباره افزایش حقوق کارگران تصمیم بگیرند، شاید برای هر آشنایی به‌حوزه بازار خنده‌دار به‌نظر برسد. واقعاً آنها با کدام مکاتبه می‌توانند قیمت کالاها را به‌ثبات برسانند [؟]" بر این اساس، می‌توان با صراحت یادآوری کرد که مبارزه برای ترمیم و افزایش دستمزدها نه‌تنها ضرورتی بدون درنگ است، بلکه وظیفه‌ای مهم است که از پیکار با برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه نمی‌تواند جدا باشد. نه کمیته مزد، نه شورای عالی کار، و نه هیچ ارگان و نهاد دیگری با توجه به چارچوب سیاست تعدیل ساختاری نخواهد توانست شکاف میان مزد و هزینه در معیشت طبقه کارگر را عادلانه و به‌سود نیروی کار برطرف کند. حقیقت این است که، اجرای سیاست‌ها و روش‌های نولیبرالی سرمایه‌داری جزء جدانشدنی رهبرید رژیم ولایت فقیه در همه عرصه‌هاست. ازاین‌روی، مبارزه جنبش‌سندیکایی زحمتکشان میهن ما برای افزایش عادلانه دستمزدها و دیگر مطالبه‌های به‌حق آنان، از پیکار با سمت‌گیری اقتصادی - اجتماعی و رهنمای آن یعنی دیکتاتوری مذهبی جدا نیست و نمی‌تواند جدا باشد. جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان برای تأمین منافع صنفی‌شان با پیکار آنان بر ضد استبداد پیوندی دیالکتیکی دارد. در هر عرصه‌ای که طبقه کارگر و زحمتکشان ما با رژیم ولایت فقیه درگیرند، آثار آلودگی‌های اجرای سیاست‌های نولیبرالی را می‌توان مشاهده کرد. آثار آلودگی‌هایی که به‌روشنی و بدون هیچ‌گونه ابهامی ناشی از فرمان‌های دیکته‌شده ازسوی نهادهای سرمایه‌داری جهانی در این عرصه‌هاست. بی‌دلیل نیست که در هفته‌های گذشته تهاجم تبلیغاتی‌ای هدفمند از سوی مدافعان اقتصاد نولیبرالی برخوردار از سایهٔ مرحمت و حمایت استبداد مذهبی به جنبش کارگری را شاهد بودیم. به‌طور نمونه، کانال تلگرامی "اکنونمست فارسی"، ۲۷ آذرماه ۹۸، مقاله‌ای از موسی غنی‌نژاد که از طراحان برنامه‌های اقتصادی رژیم ولایت فقیه است، منتشر کرد. موسی غنی‌نژاد در این مطلب همه آنانی را که فقر، فلاکت، و عقب‌ماندگی کشور را نتیجه اجرای برنامه‌های نولیبرالی می‌دانند با زبانی تهدیدآمیز به‌یاد انتقاد گرفت. در این مقاله ازجمله آمده‌است: "فروپاشی کمونیسم روسی و آشکار شدن هرچه بیشتر فجاج سوسیالیسم واقعاً موجود... ایدئولوژی ضد لیبرال را رسواتر از آن کرده است که به‌شکل سابق بتوان از آن دفاع کرد... از این‌رو برای ادامه و تقویت ایدئولوژی ضد آزادی قدیمی نیاز به ابداع جدیدی بود و در این میان چه بهتر از توسل به مفهوم مهم و متناقض نولیبرالیسم که هیچ‌کس به‌درستی نمی‌داند توسط چه کسی و با چه هدفی بر ساخته شده است... اصطلاح بنیادگرای بازار... شگرد تبلیغاتی برای تبدیل نولیبرالیسم به ناسزای سیاسی است... دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی درحالی متهم به اجرای سیاست‌های نولیبرالی می‌شوند که

هیچ‌کدام حتی یک گام در جهت اقتصاد آزاد

کارفرمایان - برای خوشامد کارگران اما به‌هدف فریب آنان - به‌طور موقت تعطیل گردید تا چگونگی تعیین حداقل دستمزد سال آینده در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد. با نزدیک شدن به هفته‌های پایانی سال جاری خورشیدی، موضوع ترمیم و افزایش دستمزدها برای سال ۹۹ به مسئله روز تبدیل شده و خواست فوری طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما در این مقطع زمانی حساس دانسته می‌شود. مسئله افزایش دستمزدهای ۹۹ با نارضایتی اجتماعی ژرف از سیاست آزادسازی قیمت بنزین و انتشار گزارش‌های تکان‌دهنده از ابعاد کشتار خونین خیزش آبان‌ماه ۹۸ پیوند خورده و هراس رژیم و درعین حال حساسیت ویژه ارگان‌های امنیتی را به‌دنبال دارد. در لایحه بودجه سال ۹۹ میزان افزایش دستمزد کارگرانی که مشمول قانون کار می‌شوند و مجموع کارکنان دولت تا سقف (حداکثر) ۱۵ درصد در نظر گرفته شده است. باید توجه داشت که این به‌اصطلاح افزایش ۱۵ درصدی دستمزد با نرخ واقعی تورم و هزینه‌های سرسام‌آور سبب معیشت کارگران به‌خصوص پس از آزادسازی قیمت بنزین، هیچ تناسبی ندارد. اما با وجود این واقعیت، ازسوی دولت و مجلس بارها و بارها بر آن تأکید شده و می‌شود. در این خصوص خبرگزاری ایلنا در اواسط آذرماه ۹۸ طی گزارشی نوشت: "همه آمارهای رسمی نشان می‌دهد که تورم کالاها و خدمات در حال حاضر بیش از ۴۰ درصد است و کارشناسان اقتصادی با توجه به گرانی دو بیست درصدی بنزین و اثرات آن بر نرخ کالاها و خدمات، پیش‌بینی می‌کنند که نرخ تورم حداقل دو تا ده درصد افزایش خواهد داشت. براساس اطلاعات مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه مهرماه ۹۸ برای خانوارهای کشور به چهل و دو درصد [۴۲ درصد] رسیده است. بنابراین، روشن است که دولت و مجموع رژیم ولایت فقیه بنا به‌آمارهای رسمی خودشان به‌خوبی می‌دانند که افزایش ۱۵ درصدی دستمزدها هیچ‌گونه تناسبی با واقعیت جاری و نرخ واقعی تورم ندارد. اما پرسش اینجاست که چرا باوجود تمام این برآوردها، رژیم ولایت فقیه در لایحه بودجه سال آینده بر میزان ۱۵ درصدی افزایش حقوق تأکید می‌کند؟ بی‌گمان برای یافتن پاسخی منطقی و دقیق به این پرسش باید معیار و دیدگاه‌های تدوین‌کنندگان لایحه بودجه و سیاست‌های کلی "نظام" از جمله سیاست تحمیل شده "اقتصادی مقاومتی" از سوی ولی فقیه را در نظر داشت. بودجه سال ۹۹ مانند بودجه‌های سال‌های پیشین در چارچوب برنامه تعدیل ساختاری تهیه و تنظیم شده و می‌شوند، و دولت‌ها ازجمله دولت حسن روحانی مجری آن‌ها هستند. ازاین‌روی، معیار تعیین بودجه که مورد توافق همه جناح‌های حکومت فارغ از کشمکش‌ها و سهم‌خواهی‌ها از درآمد ملی بوده و هست، بر محور سیاست خصوصی‌سازی و آزادسازی قیمت‌ها می‌چرخد و اجرا می‌شود. افزایش ۱۵ درصدی دستمزد دقیقاً در چارچوب این سیاست اقتصادی تعیین شده که در عین حال همچون پیش‌زمینه‌ای برای اعلام و اجرای آزادسازی دستمزد نیز هست. با مروری بر ماده‌ها و تبصره‌های بودجه ۹۹ می‌توان به‌خوبی دریافت که نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی بسیار نامتناسب است. رژیم بدون توجه به منافع اکثریت مردم به‌ویژه کارگران و زحمتکشان، سیاست‌هایی تورم‌زا اجرا می‌کند. باید توجه کنیم که درآمد‌های بودجه ماهیتی تورم‌زا دارند و نتیجه اجرائی فقر و فلاکت گسترده در کشور است. نگاهی حتی گذرا به ساختار درآمد‌ها در بودجه که در دوره تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم آمریکا علیه مردم میهن ما تدوین شده است، تنها لایه‌های کوچکی از جامعه که ثروتمند هستند از خدمات و هزینه‌های دولت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سود می‌برند. بانظرداشت ساختار درآمد‌ها در بودجه ۹۹، اختلاف درآمد و ثروت در لایه‌های اجتماعی تشدید شده و شکاف طبقاتی ژرف‌تر می‌گردد. بنابراین، تأکید رژیم ولایت فقیه بر میزان ۱۵ درصد افزایش دستمزدها نباید شگفت‌آور دانسته شود. دراینجا ضرور است اشاره کنیم که روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۱ آذرماه امسال، در مطلبی زیر عنوان: "اولین نشانه‌های مثبت سهمیه‌بندی بنزین"، به‌دفاعی آتشین از لایحه بودجه ۹۹ پرداخته و با تشویق اجرای برنامه آزادسازی قیمت‌ها و دیگر برنامه‌های نولیبرالی، می‌نویسد: "سهمیه‌بندی بنزین اولین اثر خود را در فاز این حامل انرژی برجا گذاشت و شاهد رشد محسوس حجم عرضه و معاملات بنزین صادراتی در بورس انرژی بودیم... به‌صورت دقیق تنها در سه هفته ابتدایی آذرماه... حجم معاملات نیز ۱/۵ برابر افزایش یافته است. این احتمال وجود دارد که حداقل درآمدزایی صادراتی بنزین به‌نسبت قبل از سهمیه‌بندی‌ها بیش از ۱ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان افزایش یابد... از ویژگی‌های مهم معاملات صادراتی بنزین در بورس انرژی محرمانه بودن اطلاعات فروش است." دقیقاً به‌همین علت است که بودجه سال ۹۹ بر پایه آزادسازی اقتصادی تنظیم شده و مدافعان روش و

ادامه معیشت عادلانه، حق بازنشستگان ...



۳۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است. در صورتی که نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه، از اختصاص صرفاً شش هزار میلیارد تومان بدین منظور خبر داده است.

علاوه بر مستمری بازنشستگان، این روزها یورش کارگزاران رژیم در دولت، مجلس، و خود مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی به باقی مانده منابع مالی کارگران در تأمین اجتماعی نیز شدت گرفته است. به عنوان نمونه، بنا به گزارش ایلنا، در ترفندی جدید برای به اصطلاح توجیه خصوصی سازی بنگاه های تولیدی شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی (شستا)، روز ۱۸ آذرماه ۹۸، مدیرعامل تأمین اجتماعی گفته است: "شرکت هایی که در مدیریت آنها نقشی نداریم بازدهی بیشتری دارند." یعنی برای تاراج منابع مالی کارگران، مدیرعامل تأمین اجتماعی حتا به بی لیاقتی مدیران رژیم نیز اقرار می کند. مطابق گزارش های ایلنا، روز ۲۰ آذرماه و در قالب به اصطلاح "هم اندیشی اعضای کارگروه های سخت و زیان آور"، یورش هایی گسترده از سوی سخنرانان مختلف به هدف حذف قوانین بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل "سخت و زیان آور" را شاهد بودیم. مثلاً مدیرکل تأمین اجتماعی غرب تهران اعلام کرد: "ما دیگر نباید مشاغل زیان آور داشته باشیم چراکه قانون گذار بر استانداردسازی محیط کار تأکید دارد."

روز ۲۹ آذرماه ۹۸، در "نشست هم اندیشی" دیگری با نمایندگان تشکل های زرد حکومتی، وزیر کار از کشف "ظرفیت های ناشناخته ای" در قانون کار خبر داد که نیاز به "اصلاح" به صورت "سه جانبه گرایانه" به منظور "مترقی شدن" دارند. در این نشست و در موضوع "خروج از بنگاه داری" و "واگذاری" منابع مالی کارگران در سازمان تأمین اجتماعی، شریعتمداری خود و دیگر کارگزاران فاسد رژیم ولایتی را "وکلاهی جامعه کارگری در اداره این اموال" عنوان کرد. علاوه بر اصرار به تاراج و خصوصی سازی ته مانده منابع مالی کارگران در تأمین اجتماعی، یورش جدید وزارت کار به حقوق کارگران در قالب "اصلاحات پارامتریک" قوانین تأمین اجتماعی در جهت افزایش سن بازنشستگی، کاستن بیشتر از مستمری بازنشستگان و حذف قوانین بازنشستگی پیش از موعد در "مشاغل سخت و زیان آور" است. معاون دبیرکل خانه کارگر گرچه در یورش دور قبل رژیم به قوانین تأمین اجتماعی در قالب "اصلاحات پارامتریک" حامی تمام و کمال کارگزاران رژیم بود، با این وجود او اخیراً روز ۴ آذرماه ۹۸ "قانون مشاغل سخت و زیان آور" را "همچون میخی بر تابوت سازمان تأمین اجتماعی" خواند. واضح است که در مقطع کنونی حل هرگونه مشکل مالی سازمان تأمین اجتماعی به دریافت بدهی کلان ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی از دولت وابسته است. فردای "نشست هم اندیشی" اخیر، دبیر تشکل زرد حکومتی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران نیز، بدون اشاره ای به بدهی کلان ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی دولت به تأمین اجتماعی، "حل مشکلات سازمان تأمین اجتماعی و تأمین منابع مالی آن" را در "گرو تأمین امنیت شغلی" کارگران عنوان کرد. شکی نیست که تأمین امنیت شغلی کارگران، باید در رأس خواست های مبارزاتی کارگران قرار گیرد، اما در مقطع کنونی، نیاز مالی تأمین اجتماعی برای پرداخت مستمری بازنشستگان فقط با دریافت بدهی دولت ممکن خواهد شد. با افشای رهبران تشکل های زرد حکومتی و مبارزه ای متحد برای وصول بدهی دولت، باید به بحران سازمان تأمین اجتماعی پایان داد.

ادامه منافع کارگران، و "بیمه اجباری" ...

"اجرای طرح تحول سلامت به گونه ای بود که شگفتی دنیا را به دنبال داشت [!] رژیم ولایتی نمی خواهد ۲۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی اش را به سازمان تأمین اجتماعی بپردازد. رژیم درحالی که با زدن دستبردهای کلان از طریق کارگزارانش به منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی در دولت های مختلفش و اجرای طرح "تحول نظام سلامت"ش، سازمان تأمین اجتماعی را به بحران مالی کنونی کشانده است. این سازمان حتا نمی تواند مستمری بازنشستگان را بپردازد. دولت روحانی روی دریافت حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان طلب وزارت بهداشت از سازمان تأمین اجتماعی اصرار دارد. همچنین از اول مهرماه ۹۸ خیلی از بیمارستان های خصوصی به بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی و افرادی که "دفترچه بیمه سلامت" را در دست دارند ارائه خدمت را متوقف کرده اند. در واقع آنچه روی داد همان بود که مدیرکل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان بیمه سلامت گفت: "بیمه شدگان صندوق بیمه همگانی سلامت... فقط می توانند به بیمارستان های دولتی مراجعه کنند" [ایلنا، ۲۱ آذرماه، ۹۸]. در همین تاریخ ایلنا گزارش داد: "سهیم هزینه های سلامت از جیب مردم تا آبان ۹۷... به ۳۵/۶۶ درصد رسیده بود." اکنون وزارت بهداشت با "راه اندازی طرح بیمه اجباری سلامت" و استفاده از وزارت کار "برای برگزاری آزمون وسیع [توانایی مالی] می خواهد از دامنه افرادی که هزینه های درمان آنها را صرفاً در مراکز درمانی دولتی می پردازد، بکاهد." با آغاز اجرای طرح "بیمه سلامت اجباری" در ۱۳ آبان ماه ۹۸، از آخر آذرماه "بیمه سلامت با هدایت وزارت بهداشت"، دفترچه بیمه حدود ۶۲ هزار نفر از جمعیت "سه دهک پایینی جامعه" را با "شرط پرداخت سرانه درمان تمدید می کند." سرانه درمان هر یک از اعضای خانواده - مبلغی "بین ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان" - باید به صورت "ماهانه پرداخت شود." به عنوان نمونه، خانوار ۵ نفره باید "۳ میلیون تومان سالانه به سازمان بیمه سلامت پرداخت کند." مطابق همین گزارش: "در گام های بعدی سرانه درمان عده وسیع تری حذف می شود." حتا اخیراً وزیر بهداشت با گستاخی گفته است: "مردم به دلیل هزینه های بالای درمان به سمت خوددرمانی پیش می روند و میزان مراجعه به پزشکان در حوزه سرپایی کاهش یافته و مردم با تشخیص خودشان از داروخانه ها دارو طلب می کنند" [!].

بعد از تحمیل هزینه های کلان طرح "تحول نظام سلامت" به سازمان تأمین اجتماعی و ایجاد شرایط بحرانی در سازمان، مدیرعامل سازمان بیمه سلامت، ۴ دی ماه ۹۸، از "مهلت ۶ ماهه برای ثبت نام" در طرح "پوشش اجباری بیمه سلامت" به ایلنا خبر داد. در واقع تجاوز به حقوق زحمتکشان در رژیم ولایتی پایانی ندارد. ایلنا، ۹ دی ماه سال جاری، نوشت: "بیش از ۸۰ درصد خدمات بهزیستی خصوصی سازی شده است؛ برخی خدمات کاملاً خصوصی شده اند."

ادامه ضرورت تشدید مبارزه ...

برنداشتند. "ابزار چنین نظراتی به منظور فرار از پذیرش بار مسئولیت فاجعه فقر، فلاکت، و عقب ماندگی در کشور است. این نظرات نه پایه علمی و نه استحکام منطقی دارند. اگر اجرای آزادسازی قیمت ها و خصوصی سازی در دو دولت احمدی نژاد و حسن روحانی سیاست هایی نوپیرالی نیستند پس چه نامی می توان بر آن ها نهاد، در ثانی، این موسی غنی نژاد و شرکای او در سازمان برنامه و بودجه و نهادهای قدرتمند رژیم اند که در تمام سالیان گذشته برنامه های دولت های احمدی نژاد و روحانی را تدوین و تنظیم کرده اند و اکنون با دروغ پردازی مستقیم و غیرمستقیم به دفاع از رژیم ولایت فقیه برخاسته اند. همچنان که گفته شد، مبارزه برای دستمزد عادلانه به منزله خواستی بی درنگ با پیکار با برنامه های اقتصادی - اجتماعی به ویژه آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی ارتباط مستقیم داشته و دارد. بدون فعالیت سازمان های پایه طبقاتی کارگران، یعنی سندیکاهای، نمی توان به افزایش واقعی و عادلانه مزد دست یافت. بنابراین، از سویی باید در راه تحقق خواست های فوری رژیم زد و از دیگر سو بر خواست احیای حقوق سندیکایی تأکید داشت و همزمان با آن با تلفیق مبارزه صنفی و سیاسی به طور خستگی ناپذیر دیکتاتوری حاکم را به چالش طلبید. در اوضاع کنونی انجام این وظیفه ها به منزله اولویت هایی در هم تنیده جنبش کارگری و سندیکایی و دستور کار مبارزه است. سازمان دهی اعتراض ها، تأکید بر احیای حقوق سندیکایی و استقلال عمل طبقاتی با اتحاد عمل فراگیر، عرصه وظیفه درنگ ناپذیر مبارزان جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما است.



پیروز باد مبارزه کارگران فرانسه! درس‌های اعتصاب کارگران فرانسه و مبارزه کارگران ایران با رژیم ولایت فقیه



در شرایطی که اعتراض جلیقه‌زدها در روزهای شنبه به سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی در فرانسه بیش از یک‌سال است که ادامه دارد، سندیکاهای کارگری یکی از بزرگترین اعتصاب‌های سراسری فرانسه علیه طرح "اصلاح قانون بازنشستگی" دولت امانوئل ماکرون را آغاز کردند. این اعتراض سرتاسری به تعرض به حقوق بازنشستگی و افزایش سن بازنشستگی با شرکت ۲۵۰ هزار نفر در روز ۱۴ آذرماه ۹۸ آغاز شد و به‌رغم اختلاف نظرهای موجود در بین سندیکاهای کارگری حامی این اعتراض، در ادامه سیزدهمین روز پی در پی آن در ۲۶ آذرماه - "سه‌شنبه سیاه" - به ۳۵۰ هزار نفر در پاریس افزایش یافت. پلیس فرانسه برای مقابله با معترضان به‌کرات از گاز اشک‌آور استفاده کرده است. گرچه اعتصاب کارگران قطار، اتوبوس، و متروهای درون شهری حمل‌ونقل عمومی در بسیاری از شهرهای فرانسه را مختل کرده است، در روزهای اعتصاب که دانشگاه‌ها و مدارس فرانسه عمدتاً تعطیل بودند، همراه با کارگران و کارمندان بخش‌های مختلف اقتصادی کشور، وکلا، پرستاران، پزشکان، داروسازان، دانشجویان، و معلمان نیز به تظاهرات اعتراضی پیوستند.

افزایش گام‌گسیخته هزینه درمان و کاهش دستمزد و سهم بیمه کارگران در بیش از دو دهه اخیر از عوامل کسری بودجه در صندوق‌های بازنشستگی فرانسه‌اند. دولت ماکرون با اخراج بخشی از کارکنان صندوق‌های بازنشستگی، افزایش سن بازنشستگی و کاهش مستمری بازنشستگان در آینده، قصد دارد کسری بودجه را از جیب زحمتکشان تأمین کند. کارگران و زحمتکشان فرانسه با ادغام ۴۲ صندوق بازنشستگی مختلف و حذف دستوردهای تاریخی کارگران فرانسه مخالفت شدیدشان را اعلام کرده‌اند.

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، حمایت قاطع و همبستگی بین‌المللی خود را با اعتصاب سرتاسری فرانسه، و اتحادیه کارگری کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ث ژ ت)، بر ضد دستورالعمل دولت امانوئل ماکرون و اتحادیه اروپا و به‌منظور پایان دادن به بهره‌کشی سرمایه‌داری از طبقه کارگر فرانسه اعلام اعتصاب کرد. در این اعتصاب سراسری، بخش‌هایی مهم از اقتصاد کشور، به‌خصوص حمل‌ونقل، تجارت، آموزش، انرژی، خدمات عمومی، پالایشگاه‌ها، صنعت غذایی و کشاورزی، بخش جمع‌آوری و حمل زباله، صنعت ماشین‌سازی، آتش‌نشانان، بنادر و رسانه‌های عمومی شرکت داشتند. روز دوشنبه، ۲۵ آذرماه، دبیرکل فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در دیداری یک‌ساعته با سفیر فرانسه در آتن، همبستگی و حمایت قاطعانه این فدراسیون از مبارزات طبقه کارگر فرانسه را اعلام کرد و بازپس‌گرفتن

بی‌درنگ طرح اصلاح قانون بازنشستگی از سوی دولت فرانسه را خواستار شد. ضمن همبستگی و حمایت قاطع از مبارزه برحق زحمتکشان فرانسه علیه بهره‌کشی نظام سرمایه‌داری و تأکید روی اهمیت این مبارزه برای طبقه کارگر جهانی، ذکر این نکته هم ضروری است که کارگران و زحمتکشان میهن ما نیز با مشکلات مشابهی درگیرند. سیاست‌های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه و وابستگان آن در تاراج اندوخته‌های کارگران در سازمان تأمین اجتماعی و استثمار سبعانه کارگران در اقتصاد به‌اصطلاح "آزاد" ایران که قیمت مواد مورد نیاز کارگران تقریباً معادل با بازارهای اروپا آمریکا است، در مجموع شرایط بسیار دشواری را برای کارگران و زحمتکشان ایرانی ایجاد کرده است. در حال حاضر دولت ۲۵۰ هزار میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است. باوجود بدهی ۴۰ هزار میلیارد تومانی این سازمان به بانک‌ها و اجبار آن به گرفتن وام از بانک با بهره‌های ۳۰ درصدی به‌منظور پرداخت مستمری‌های بازنشستگان که حداکثر ۲۰۰ یورو در ماه است، دولت نیت بدهی‌اش را به تأمین اجتماعی نمی‌پردازد. رژیم ولایتی در هفته سوم آذرماه ۹۸ و در به‌اصطلاح "کارگاه هم‌اندیشی" برای تحمیل اصلاحات سبعانه "پارامتریک" جهت افزایش سن بازنشستگی و یورش شدیدتر به مستمری بازنشستگان، اجازه "طرح نظر" حتا به رهبران تشکل‌های دست‌ساز خود را نیز نداد. بر اساس گزارش‌های ایلنا و ایسنا، با گسترش دامنه اعتصاب سرتاسری در فرانسه، روز ۳ دی‌ماه کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ث ژ ت) مقدمه "توقف فعالیت یکی از مهم‌ترین پالایشگاه‌های نفت" فرانسه را فراهم کرد. قدرت کارگران و زحمتکشان در جهان، در اتحاد، همبستگی، و سازمان‌دهی نهفته است. مانند طبقه کارگر فرانسه، می‌توان غارتگران رژیم ولایتی را به عقب‌نشینی واداشت. درس مهم اعتصاب کارگران فرانسه تا کنون، اتحاد عمل گسترده در جنبش سندیکایی با وجود تنوع نظر، ایستادگی به‌منظور تأمین حقوق زحمتکشان، و به‌کارگیری مؤثر سلاح اعتصاب است.

لطفاً در مکانبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org
آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۲۸
Nameh Mardom - Workers Supplement No. 28

6 January 2020

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

